

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

والنتین کاتاسانوف*

برگردان از: ا. م. شیری

۳۰ اگست ۲۰۱۸

در پس نام نوبل

نام آلفرد نوبل امروز برای هر انسان باسوادی در جهان آشناست. نوبل (۱۸۳۳- ۱۸۹۶) کیمیادان سوئدی، مهندس، مخترع، کارفرما و انسان خیری بود. با اختراع دینامیت به شهرت رسید (اختراعات دیگری نیز داشت. مجموعاً ۳۵۵ اختراع به ثبت رسیده). با این حال، تأسیس مدال به نام وی موجب اشتهار اساسی او گردید.

آلفرد نوبل یک سال قبل از مرگ خود وصیتنامه نوشت که در ماه جنوری سال ۱۸۹۷ علنی شد. این هم قسمتهایی از وصیتنامه وی: "همه دارائی من اعم از منقول یا غیرمنقول بایستی به واسطه فیومانم در راه توسعه ارزشهای قابل تبدیل به ثروت صرف شود و سرمایه انباشته از این طریق به بانک معتبری سپرده شود. سود حاصل از این سپرده باید به بنیادی تعلق بگیرد، که آن را سالانه به شکل جایزه بین افرادی توزیع نماید، که در طول سال گذشته بیشترین نفع را به بشریت ارزانی داشتند... درصد مذکور باید به پنج قسمت مساوی تقسیم گردد و به ترتیب آتی به صرف برسد: قسمت نخست به شخصی اعطاء گردد که در عرصه فزیک بهترین کشف یا اختراع را به ثبت رسانده؛ قسمت دیگر به کسی پرداخت شود، که در عرصه کیمیا اختراع مهمی به ثبت رسانده یا علم کیمیا را تکامل بخشیده؛ قسمت سوم، به آن کسی تقدیم گردد، که به کشف مهمی در عرصه زیست‌شناسی یا طب موفق شده؛ قسمت چهارم به آن کسی اهداء گردد، که مهمترین اثر ادبی را به گنجینه ادبیات ایدئالیستی افزوده؛ قسمت پنجم در اختیار آن کسی قرار گیرد، که مهمترین سهم را در تحکیم اتحاد ملت‌ها، از میان برداشتن بردگی یا کاهش شمار نفرات ارتش‌های موجود و کمک به تشکیل کنگره‌های صلح داشته... علاقه‌مندی خاص من این است، که در روند اعطای جوایز، ملیت نامزد مورد توجه قرار نگیرد".

در سال ۱۹۰۰ بنیاد نوبل به منظور مدیریت مالی و سازماندهی اعطای جوایز نوبل تشکیل گردید. سرمایه اولیه بنیاد ۳۱ میلیون ۶۰۰ هزار کرون سوئدی بود. در اوایل سده گذشته سرمایه بنیاد به طور قابل ملاحظه‌ای "رشد" کرد. در ضمن، ثروت‌های نفتی باکو که در آن‌ها کمپانی تأسیسی آلفرد نوبل عمل می‌کرد، منبع اصلی افزایش سرمایه بود. در سال ۱۹۰۱ نخستین جایزه نوبل در پنج رشته فوق اعطاء گردید.

جایزه نوبل معتبرترین جوایز در جهان بود و همچنان هست. البته، کارکرد بنیاد و کمیته اعطای جوایز نوبل نواقص خاص خود را داشت. به ویژه، تصمیمات دایر بر اعطای جوایز صلح و ادبی با پیشداوری همراه بوده است. در این

باره یادآوری اعطای جایزه صلح نوبل به بارک اوباما رئیس جمهور امریکا کفایت. جایزه صلح نوبل به خاطر تلاش‌های فوق‌العاده در جهت تقویت دیپلوماسی بین‌المللی و همکاری بین خلق‌ها به وی اعطاء گردید. فقط این واقعیت که پس از ۱۲ روز... از آغاز دوره ریاست جمهوری جایزه به او اعطاء گردید، حاکی از دست‌پاچی بود. شمار زیادی از سیاستمداران و کنشگران اجتماعی در کشورهای مختلف جهان (از جمله در خود سوئدن و ایالات متحده امریکا) کمیته نوبل را بدرستی به وابستگی به قدرت در سایه که آن را به اتخاذ چنین تصمیماتی وادار می‌کند، متهم می‌نمایند. دیگر لازم به توضیح نیست که خود برنده جایزه صلح نوبل در مدت دو دوره ریاست جمهوری خود به تهاجم نظامی علیه یکسری کشورهای مستقل دست زد.

با جایزه ادبی نوبل نیز همین اتفاق افتاد. توجه کنید نویسنده نامدار ما **یوری پالیاکوف** در این مورد چه می‌گوید: "در دهه‌های اخیر منهای موارد استثنائی، نویسندگان بی‌نام و نشان جایزه دریافت نمودند و اغلب، بد نویسندگان به همین دلیل، توقف این روال لازم است. **آلکسی اویچ** را در نظر بگیرید: او یک روزنامه‌نگار و خبرنگار صرفاً سیاسی است با رویکرد آشکارا ضد روسی. **باب دیلان** را نیز نباید با آن شعرای نامداری که به موقع خود با جایزه نوبل تلطیف شدند، مقایسه کرد. سقوط معیارها و الزامات حرفه‌ای در سالهای اخیر شدت گرفته است".

بانک مرکزی سوئدن ۳۰۰-مین سالروز تأسیس خود را در سال ۱۹۶۸ پشت سر گذاشت (سوئدنی‌ها این بانک مرکزی را مخوف‌ترین بانک جهان گمان می‌کنند). مدیریت بانک مرکزی سوئدن در آن تاریخ تصمیم به ایجاد جایزه بین‌المللی به ازای دستاوردها در عرصه اقتصادگرفت (علوم اقتصادی) جایزه به نام آلفرد نوبل نامگذاری شد. در همان سال ۱۹۶۸ صندوق پرداخت جوایز در بانک مرکزی سوئدن تأسیس گردید. از سال ۱۹۶۹ اعطای جوایز شروع شد. در دوره زمانی سال‌های ۱۹۶۹ تا ۲۰۱۶ مجموعاً ۴۸ بار جایزه اعطا شده است. ۷۸ دانشمند برندگان آن‌ها بودند. تفاوت میان تعداد جوایز و شمار برندگان آنها بر این اساس مبتنی بود، که یک جایزه می‌توانست به چند نفر اعطاء گردد. به این ترتیب، از ۴۹ جایزه ۲۶ بار یک دانشمند، ۱۷ بار دو و ۶ بار سه محقق دریافت نمود.

شایان توجه است، که تصمیم دایر بر اعطای جوایز اقتصادی را همان آکادمی علوم پادشاهی سوئدن اتخاذ می‌کند. گواهی و مدال برندگان جوایز اقتصادی را مشکل می‌توان از آنهایی که به نامزدهای واقعی جایزه نوبل تقدیم می‌گردد، تشخیص داد. و میزان پاداش به برنده جایزه اقتصادی دقیقاً همینطور است (آن در حال حاضر معادل کمی بیش از یک میلیون دالر امریکاست).

سرانجام، کمیته نوبل و رسانه‌های سوئدنی و جهانی جایزه اقتصادی نوبل را جایزه بانک مرکزی سوئدن نامیدند. بدون هیچ شک و تردید. روشن است، هر کار ممکن برای بالا بردن اعتبار جایزه انجام گرفت. حتی با دست بردن به سازوکارهای بشدت مشکوک. سؤال می‌شود: چرا بانک مرکزی سوئدن به این نیاز داشت؟ دو پاسخ وجود دارد که مکمل یکدیگر هستند.

اول- این برای بانک سوئدن لازم بود، که در عرض سالیان طولانی موفق شد وضعیت یک نهاد "مستقل" کسب کند (در آن زمان بانک‌های مرکزی اکثریت کشورهای غربی مستقل از دولت‌های خود بودند). و برای این امر، رهبری بانک سوئدن به حمایت "اقتصاددانان حرفه‌ای" نیاز داشت. بانک سوئدن حساب می‌کرد، که از این طریق اقتصاددانان قادر به کمک در جهت تأمین ملزومات "استقلال" خود را جذب خواهد کرد. جایزه "اقتصادی نوبل" نیز می‌بایست ابزار جلب و جذب حرفه‌ای‌های لازم باشد. این طرح فاسد در عمل به معنای "خرید" آدم‌های مورد نیاز بود.

دوم- این برای "اریابان پول" (سهامداران اصلی ساختار فدرال رزرو امریکا) ضروری بود، که می‌خواستند "نوابغ اقتصادی" قادر به توجیه تصمیمات لازم را به تحت فرمان خود دربیآورند.

پایان سال‌های دهه ۱۹۶۰ زمانی بود که درزهای ساختار ارزی - مالی جهانی برتون وودز ترک برداشت. "اربابان پول" قرار حذف "ترمز طلائی" را به واسطه دستگاه‌های ضرب پول ساختار فدرال رزرو امریکا، به سخن دیگر، به شکل گذار از دالر طلائی به معیار دالر کاغذی آماده کردند. در ادامه، طبق برنامه آنها، لیبرالیزه کردن عمومی اقتصاد در جهان، جهانی‌سازی، در هم شکستن و از میان برداشتن گام به گام دولت‌های ملی می‌بایست آغاز شود (قرار بود "دولت جهانی" جایگزین آنها بشود). برای پشتیبانی فکری چنین پروژه عظیم نیز جایزه بین‌المللی معتبر الزامی بود. نامزد این جایزه هم می‌بایست در خدمت منافع "اربابان پول" و حرکت به سوی حاکمیت جهانی وابسته به آنها قرار بگیرد. از آنجائی که بانک مرکزی سوئد در سلسله مراتب بانک‌های مرکزی جهان تحت تابعیت نظام ذخیره فدرال قرار دارد، همان بنیاد "جایزه" اقتصادی نوبل برای ارضای علایق هر دو، مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

در ابتدای کار، برای این که هیچ کسی تردید نکند و همه تصور کنند، که جایزه واقعاً برای تشویق جست و جوی حقایق علمی در رشته اقتصاد اهداء می‌گردد، جایزه اقتصادی "نوبل" به افراد برجسته اهداء شد. اما بعد از چند سال راه‌اندازی همان "عاقلان لازم" به "مدار اربابان پول" آغاز گردید. فریدریک هایک و میلتون فریدمن مشهورترین آنها بودند که به ترتیب در سال ۱۹۷۴ و ۱۹۷۶ جایزه گرفتند. هر دو لیبرال سرسخت از یک "لانه" بیرون خزیدند. از دانشگاه شیکاگو.

باز هم در سال‌های ۳۰ سده گذشته در آنجا مدرسه به اصطلاح اقتصاد شیکاگو، به عبارت دقیق‌تر، جریانی در تفکر اقتصادی که در نقطه مقابل آموزه‌های مشهور آن وقتهای اقتصاددان انگلیسی جان کنیز قرار داشت، پدید آمد. اقتصاد کینزی را فرانکلین روزولت و تیم او برای خارج کردن امریکا از رکود اقتصادی در عمل به کار بستند. اقتصاددانان مدرسه اقتصاد شیکاگو حتی در سال‌های بحران و رکود از حمایت‌های مالی میلیاردرهای وال استریت بهره‌مند بودند. به این سبب، شگفت‌آور نیست که دانشگاه شیکاگو دقیقاً به پرورشگاه برندگان "جایزه اقتصادی نوبل" تبدیل گردید. شمار این آموزش‌دیده‌ها به ده‌ها نفر می‌رسد. در ضمن، آخرین برنده "نوبل" - ریچارد تالر (سال ۲۰۱۷) نیز از پرورشگاه شیکاگو بیرون جست. او اکنون به عنوان پروفیسور در آنجا تدریس می‌کند.

از میان مشهورترین پرورش‌یافتگان "لانه" شیکاگو می‌توان از پل سامونلسون نام برد. در سال ۱۹۷۰ به وی به خاطر اثری که در شالوده به اصطلاح "سنتر نئوکلاسیک" قرار گرفت، "جایزه نوبل" اهداء گردید (ترکیبی از اقتصاد خرد نئوکلاسیک با اقتصاد کلان کینزی در یک تفکر). سامونلسون هیچ کشف هوشمندانه‌ای نکرد. او به خاطر کتاب‌های درسی حجیم خود که از قضاء در اتحاد شوروی نیز ترجمه و چاپ شد، شهرت یافت. (من آن را در دوره دانشجویی خوانده‌ام).

آری، هایک و فریدمن واقعاً طرفداران سرسخت "آزادی اقتصادی"، به ویژه برای "اربابان پول" لازم بودند (سامونلسون میان‌رو محسوب می‌شد). دو لیبرال نامبرده بالا تا زمان ورود به "مدار نوبل" چندان شهرت نداشتند، و در محافل دانشگاهی آنها را با احتیاط می‌پذیرفتند. برخی نظریه‌های علمی "نوابغ اقتصادی" در رابطه با آینده، شخصیت‌های علمی را حیرت‌زده کرد. به عنوان مثال، این ادعای حیرت‌انگیز میلتون فریدمن: "برای قابل قبول بودن، اتکای قالب بر واقعیات الزامی نیست".

مؤلف مقاله تحت عنوان "جایزه اقتصادی نوبل وجود ندارد"، در باره این دو "خدای معنوی اقتصاد" می‌نویسد: "معاصران هایک در مجامع علمی اقتصاد او را یک شارلاتان و فریب‌کار حساب می‌کردند. در سال‌های ۵۰ و ۶۰ او در اثر موعظه دکترین بازار آزاد و داروینیزم اقتصادی به حساب پشتیبانی مالی میلیاردرهای اولترا راست امریکائی، از عالم علم غایب گشت. هایک طرفداران متنفذی داشت، اما او در خارج از حصارهای محافل علمی جهان قرار گرفته

بود. در سال ۱۹۷۶، پس از گذشت پنج سال از تأسیس جایزه، فردریک هایک - حامی پیشرو اقتصاد لیبرالی و بازار آزاد (به سخن دیگر، " ثروتمندان، ثروتمندتر بشوید")، یکی از مشهورترین اقتصاددانان قرن بیستم و پدر معنوی اقتصاد نئوکلاسیک آن را گرفت. هامیلتون فریدمن نیز که همراه با هایک در دانشگاه شیکاگو تحصیل کرده بود، دست کمی از او نداشت. او جایزه نوبل خود را در سال ۱۹۷۶ دریافت نمود. لیبرال‌های فوق‌الذکر حتی پس از اخذ جوایز دل‌خواه هیچ اعتباری کسب نکردند. و پس از اعطای جایزه به میلتن فریدمن حتی جنجال به پا شد. معلوم شد که پس از کودتای نظامی در چیلی و تصرف قدرت توسط جنرال پینوشه، گروه اقتصادی آمریکا به نام "پسر بچه‌های شیکاگو" به این کشور امریکای لاتین اعزام گردید. میلتن فریدمن از عمده‌ترین‌های این "پسر بچه‌های شیکاگو" بود (اگر چه او از نظر سنی از مدتها قبل پسر بچه نبود. آن وقت او ۶۰ ساله بود).

وظیفه اصلی گروه عبارت بود از گشودن پای سرمایه امریکائی به اقتصاد چیلی. اما مردم کشور به اعماق فقر در غلتیدند. اورلاندو لتلر (Orlando Letelier) اقتصاددان چیلیائی در سال ۱۹۷۶ با انتشار مقاله در "ملت" (The Nation) میلتن فریدمن را "معمار هوشمند و مشاور غیررسمی همان تیم اقتصادی نامید، که امروز اقتصادی چیلی را به نمایندگی از سوی کمپانی‌های خارجی اداره می‌کند. پولیس مخفی چیلی یک ماه بعد از این لتلر را با انفجار خودرو او در آمریکا به قتل رساند.

اعتراضاتی شد، خواستهائی مبنی بر لغو و استرداد جایزه "نوبل" فریدمن مطرح گردید. با این حال، آکادمی علوم سلطنتی و بانک مرکزی سویدن همه این‌ها را نادیده گرفتند. پیش از آن که نام فریدریک هایک و میلتن فریدمن مطرح شود، پول زیادی به آنها تزریق شد. با صرف نظر از برشماری بسیاری از واقعیات و جزئیات مربوط به اقدامات بانک مرکزی و اکادمی علوم پادشاهی سویدن در زمینه جوایز اقتصادی "نوبل"، لازم به ذکر است، که آنها چند ده "نابغه اقتصادی" را به مدار اقتصادی جهان وارد کردند که تأثیر آنها بر اقتصاد جهان از عواقب ده‌ها بمب اتمی مخرب‌تر است. نظریات این "نوابغ اقتصادی" از سوی رسانه‌های وابسته به "اربابان پول" چندین برابر تقویت گردیده، به واسطه میلیون‌ها جلد کتاب "عاقله" انتشار یافته، به مغز ده‌ها (اگر نه صد) میلیون دانشجو چپانده شده است.

این مدعیات "علمی" در مبنای توجیه موج خصوصی‌سازی، مقررات زدائی از اقتصاد، حذف همه موانع در عرصه بازرگانی بین‌المللی و حرکت فرامرزی سرمایه، استقلال کامل بانک‌های مرکزی از دولت‌ها، گسترش بی‌سابقه بازارهای مالی و غیره در مقیاس جهانی قرار گرفت. همه این تدابیر در زمینه اقتصاد لیبرالی لازم برای "اربابان پول"، در نتیجه نهائی، برای شکستن دولت‌ها، محروم کردن خلقها از استقلال ملی اندیشیده شد و نابودسازی دولت‌های ملی به نوبه خود برای "اربابان پول" بدین سبب ضرورت داشت که قدرت را در سراسر جهان به دست آورند. بنا به طرح آنها، دولت جهانی باید جایگزین دولت‌های ملی بشود و نقش به اصطلاح جایزه اقتصادی "نوبل" در اجرای این طرح را دست‌کم گرفت.

در تمامی این ده‌ها سال اقتصاددانان مستقل، کنشگران اجتماعی، سیاستمداران علیه طرح کلاهبردانه و خطرناک برای بشریت تحت عنوان رمزی "جایزه اقتصادی نوبل" اعتراض کرده‌اند. این هم بخشی از اظهارات دکتر علمی حقوقی پتر نوبل، برادرزاده آلفرد نوبل مشهور در این باره: "این جایزه از دو جنبه قابل نقد است. اول - همه این‌ها فقط به معنای یک تهاجم گیح‌کننده به مفهوم "جایزه نوبل" است. دوم - جایزه بانک به طور یک‌جانبه به تحقیقات اقتصادی غرب و ایجاد نظریه اهداء می‌گردد. وصیت‌نامه آلفرد نوبل نه یک حقه‌بازی، بلکه، بسیار سنجیده نوشته شده است. نامه او گواه این است که وی اقتصاددان نبود".

امسال نیم قرن از زمان آغاز اهدای "جایزه اقتصادی نوبل" سپری می‌شود. باید منطقی اندیشید. تأثیر مخرب آن در روسیه آشکار است (خصوصی‌سازی، مقررات زدائی از اقتصاد، آزادسازی کامل پول از جریان سرمایه و غیره). اقدامات ویرانگرانه در زمینه آموزش اقتصاد در دانشگاه‌های کشور ادامه دارد. همه کتابهای درسی روسیه با "تفکرات" اقتصاد لیبرالی انباشته شده، جالب این است که نیمی از مؤلفان ایده‌ها برندگان جایزه اقتصادی "نوبل" هستند. به حکم منطق می‌توان آنها را حقه‌باز نامید. به منظور آغاز ساماندهی در کشور، قبل از هر کاری باید به ذهن شهروندان نظم بخشید و برای انجام این امر، به موازات همه کارها، ساماندهی نظام آموزش عالی اقتصاد ضرورت دارد و برای این کار، به نوبه خود، باید از زیر تأثیر هیبتونیزم حقه‌بازان "نوبلی" فوق‌الذکر خارج شد.

* والنتین کاتاسانوف (Valentin Katasonov) -پروفسور، دکتر علوم اقتصادی، مدیر مرکز مطالعات اقتصادی "شاراپوف" روسیه، مشاور اقتصادی اسبق دبیر کل سازمان ملل متحد، پژوهشگر مسائل پشت صحنه قید-نقد مقاله بالا و اظهار نظر پیرامون آن، کمک مؤثر به ادامه کاری مترجم محسوب می‌شود.

<http://www.sovross.ru/articles/1735/40870>

۷ شهریور سنبله ۱۳۹۷